

## معرفی کتاب «واکاوی در لجنه»

مریم صادقی پری

اشاره

کتاب «واکاوی در لجنه» که به موضوع نقش بهائیت در پیدایش و استمرار رژیم پهلوی می‌پردازد، در سال 1392 با تیراژ 3300 جلد، توسط انتشارات کیهان منتشر گردید. این اثر که به بررسی و تحلیل پیدایش بهائیت و فعالیت بهائیان در خصوص روی کار آمدن حکومت پهلوی و همچنین نقش آنان در شکل‌گیری این حکومت و فعالیت تشکیلات بهائیت در بخش‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی در عصر پهلوی اول و دوم اختصاص دارد، در 328 صفحه، به قلم مریم صادقی، نگارش یافته و با قیمت 9000 تومان، وارد بازار نشر شده است.

کتاب «واکاوی در لجنه» در چهار فصل، تنظیم شده است که فصل اول آن، ابتدا تاریخچه مختصر بهائیت را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد و سپس به تفاوت فرقه بهائیت و بابی‌ها می‌پردازد و این‌که چگونه عبدالبهاء، وصیت بهاء‌الله را در مورد برگزیدن جانشین، زیر پا می‌گذارد. دیگر عناوین این فصل، نگاهی به بیت‌العدل اعظم و شبکه بهائیت و سیاست می‌باشد. نویسنده در فصل دوم کتاب با عنوان «بهائیت در عصر قاجار»، به تحلیل نفوذ بهائیان در دستگاه حکومتی، مشرق‌الاذکار بهائیان، نفوذ بهائیان در جریان نهضت مشروطه، فعالیت‌های تروریستی بهائیان، کمیته مجازات، نفوذ بهائیان در نهضت جنگل و کودتای 1299 پرداخته و در فصل سوم نیز با عنوان «بهائیت در عصر پهلوی اول»، به کنکاش در وضعیت سیاسی و فرهنگی بهائیان می‌پردازد. نگارنده همچنین در فصل چهارم با عنوان «بهائیان در عصر پهلوی دوم»، اقدامات بهائیان در عرصه سیاسی و امنیتی، کودتای آمریکایی-انگلیسی 28 مرداد 1332، برخورد علما و فدائیان اسلام با بهائیت، انجمن حجتیه، نفوذ بهائیان در مناصب دولتی، نفوذ بهائیان در عرصه‌های فرهنگی و اقتصادی را بررسی می‌نماید.

نویسنده معتقد است بهائیت، فرقه‌ای سیاسی است که عناصر استعمار در پیدایی آن، نقش بسیاری داشتند. فعالیت سیاسی این فرقه در جهت پیشبرد اهداف استعمارگران، نشان از ماهیت سیاسی این فرقه دارد. گرچه برخی از مورخان، منکر این مطلب هستند که عوامل استعمار در پیدایش اولیه این تشکیلات، نقشی نداشته اند؛ اما نمی‌توان این مطلب را که میرزا حسینعلی نوری (بهاء‌الله)، بارها از سوی سفرای روس و انگلیس، مورد حمایت و پشتیبانی قرار گرفت، انکار کرد.

مؤلف در بخش دوم کتاب به نفوذ بهائیان در دستگاه اداری عصر قاجار می‌پردازد و می‌نویسد: بهائیت که تقریباً در اوایل دوران قاجار شکل می‌گیرد، مورد بی‌مهری پادشاهان قاجار قرار گرفته و تلاش استعمارگران برای نفوذ آنان در مناصب دولتی به نتیجه‌ای نمی‌رسد. بهائیان که همواره زعمای قاجار را مانع رسیدن به

مقاصدشان می‌دیدند، همگام با دیگر مجریان استعمار در ایران، تلاش بسیاری را در جهت براندازی حکومت قاجار آغاز کردند.

نگارنده در این فصل از کتاب، به نفوذ بهائیان در نهضت مشروطه می‌پردازد. وی معتقد است در شرایطی که نهضت مشروطه می‌توانست مانع یگانه‌تازی‌های روس و انگلیس در ایران و منطقه شود، آنان که خطر موضع‌گیری صریح و مقابله علنی با این حرکت را دریافته بودند، سیاست نفوذ و انحراف نهضت را تعقیب کردند. در این میان، تشکیلات بهائیت و فراماسونری به عنوان دو بازوی فعال استعمار، وارد عمل شده و ضمن پیگیری اهداف خود، نهضت مشروطه را به انحراف کشاند.

ایجاد کمیته تروریستی مجازات و انجام چندین فقره قتل به منظور ایجاد رعب و وحشت و ناامنی در جامعه، از دیگر اقدامات بهائیان برای برکناری سلطنت قاجار بود که در این بخش از کتاب مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه نیز نفوذ بهائیان در نهضت جنگل بیان گردیده است؛ این که عناصر بهائی توانستند با نفوذ در این نهضت، با ایجاد تفرقه در صفوف آن، ضربه مهلکی بر پیکره آن وارد کنند. در انتهای این فصل، نویسنده سعی کرده است تا عملکرد بهائیان را در شناسایی و معرفی رضاخان به عوامل انگلیس تبیین کند.

فصل سوم کتاب، بیانگر وضعیت سیاسی و فرهنگی بهائیان در عصر پهلوی اول است. مؤلف در این فصل، ابتدا به معرفی وضعیت سیاسی بهائیان می‌پردازد و بر این باور است که اقدامات عده‌ای از سران بهائیت در اواخر دوره قاجار برای براندازی این حکومت، بدان سبب بود که در دولت کودتا و بعد از روی کار آمدن حکومت پهلوی، به مشاغل مهم و پست‌های حساس برسند و در جریان مقابله رضاخان با مواضع دینی، دوشادوش او به فعالیت علیه اسلام بپردازند.

در فصل چهارم، نویسنده در تلاش است که فعالیت بهائیان را در عصر پهلوی دوم، مورد تحقیق و بررسی قرار دهد. نگارنده در این فصل، به بیان اقدامات بهائیان در عرصه سیاسی و امنیتی؛ نظیر شرکت در کودتای 28 مرداد 1332 می‌پردازد. نفوذ بهائیان در مناصب دولتی و نیز ارتش و همچنین فعالیت آن‌ها در عرصه فرهنگ، از دیگر عناوین این فصل می‌باشد.

دوران نخست‌وزیری امیرعباس هویدا را باید نقطه اوج فعالیت بهائیان، فراماسونها و ایادی صهیونیسم دانست. در همین ایام، همکاری ایران و آمریکا در زمینه‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و امنیتی به اوج خود رسید؛ به‌طوری که ایران در این روزگار، به حیاط خلوت آمریکا تبدیل شد. منوچهر شاهقلی، منصور روحانی، غلام‌عباس آرام و هوشنگ نهاوندی، وزرای بهائی کابینه هویدا بودند که در این بخش از کتاب به معرفی آن‌ها پرداخته شده است. در ادامه این فصل، رجال نظامی بهائی این دوران؛ از جمله سپهبد عبدالکریم ایادی، سپهبد اسدالله صنیعی، سپهبد پرویز خسروانی و... معرفی شده‌اند.

مؤلف در این بخش از کتاب تلاش دارد تا گوشه‌ای از نفوذ بهائیان در ارتش را تشریح نماید. او می‌نویسد: ایادی از برجستگان بهائیت در دربار پهلوی بود و نقش مهمی را در تحکیم مواضع این فرقه در نهادهای نظامی رژیم داشت. با اتکای او صدها افسر توانستند در ارتش ایران، درجه بگیرند و مقامات مهمی را اشغال کنند. در دوران هویدا، ایادی تا توانست وزیر بهائی، وارد کابینه کرد و این وزرا، بدون اجازه او حق هیچ

کاری نداشتند. وی در ادامه، به بیان حضور بهائیان را در سازمان اطلاعات و امنیت کشور، موسوم به «ساواک» می‌پردازد و علت استفاده از عناصر بهائی را در این سازمان، این‌گونه بیان می‌کند: کارگزاران استعماری و طراحان ساواک، از همان ابتدای کار کوشیدند افسران غیرمسلمان را به این سازمان انتقال دهند و از وجود آنان در راه تحقق اهداف خود، سود جویند.

بررسی فعالیت بهائیان در عرصه فرهنگ، بخش دیگر از کتاب «واکاوی در لجنه» است که در آن، به فعالیت بهائیان در مدارس و دانشگاه‌ها، رادیو و تلویزیون، مطبوعات و... پرداخته شده است. بهائیان که به خوبی، اهمیت فعالیت فرهنگی را درک کرده بودند، برای مقابله با حجاب و همگام با سیاست‌های دین زدایی رژیم کوشیدند پیوند دینی مردم را سست کنند؛ به‌طوری که افزایش مراکز فساد و فحشا، ایجاد اولین فرستنده تلویزیون و تولید و ساخت فیلم‌های ضد اخلاقی و ضد دینی، برگزاری مراسم و جشن‌هایی که هیچ تناسبی با باورها و اعتقادات مذهبی مردم نداشت و...، بیانگر این مطلب است.

آخرین بحث کتاب، به بهائیان و فعالیت در عرصه اقتصاد اختصاص دارد. معرفی سرمایه‌داران بهائی، کمپانی نفت و امیرعباس هویدا، از دیگر عناوین این بخش می‌باشد. نویسنده در این بخش، به بیان چپاول‌ها و غارتگری‌های عناصر بهائی پرداخته و در مورد اهمیت فعالیت بهائیان در این عرصه می‌نویسد: بهائیان همواره سعی بر آن داشتند که اوضاع اقتصادی خود را بهبود بخشند تا با تحکیم پایه‌های قدرت خود در عرصه اقتصاد کشور، اهرم فشار علیه مردم مسلمان را به دست آورند و از سوی دیگر با بالا بردن توان اقتصادی خود، نبض سیاسی را به دست گیرند.